

عنوان مقاله:

روش اسنادی و گذار از آن در تاریخ نگاری اسلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دوره 24، شماره 13 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

هاشم آقاجری - استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

امیرحسین حاتمی - دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

تاریخ نگاری اسلامی از همان آغاز تکوینش همانند بسیاری دیگر از معارف اسلامی مانند فقه، حدیث، کلام و... دو گونه نگرش و دیدگاه معرفتی را تجربه کرد: یکی دیدگاه نقلی-روایی و دیگر دیدگاه عقلی-انتقادی. تاریخ نگاری اسلامی از بدو پیدایش به دلیل تاثیر عمیقی که از نگرش های حدیثی گرفته بود، به شدت نقلی-روایی بود. مشخصه اصلی این رویکرد پایبندی مستحکم به روش اسنادی بود؛ یعنی همان چیزی که خود یکی از ممیزه های اصلی اصحاب حدیث بود. اما در مراحل بعدی و به تدریج گرایش در تاریخ نگاری اسلامی پدید آمد که از سوی اصحاب حدیث متهم به تساهل در اسناد می شد. حامیان این گرایش به تدریج گام هایی برمی داشتند تا خود و مخاطبان نشان را از قید و بندهای به شدت حدیثی رها کنند. این گام های تدریجی در مراحل بعدی به گذار از روش اسنادی در بخشی از تاریخ نگاری اسلامی انجامید و در نهایت به شکل گیری گرایش تحلیلی-انتقادی در تاریخ نگاری اسلامی کمک شایانی کرد. بنابر یافته های این پژوهش، از آنجاکه حدیث و تاریخ دو حوزه مستقل معرفتی و بالطبع دارای دو موضوع مستقل، یکی قول و فعل پیامبر و دیگری واقعیت تاریخی بودند، نمی توانستند از روشی یکسان استفاده کنند. از این رو بود که اخباری-مورخان نخستین در نهایت روش حدیثی (اسناد) را کنار گذاشتند و روش های تاریخی تری را برگزیدند.

کلمات کلیدی:

تاریخ نگاری اسلامی، اسناد، گذار از اسناد، سنت حدیثی، گرایش نقلی-روایی، گرایش تحلیلی-انتقادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/864089>

